

تأثیر چارچوب مفهومی عدالت فضایی بر دسترسی شهروندان شهر

ساری

احسان کاشانی راد

دانشجوی دکتری تخصصی گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

حمید ماجدی^۱

استاد گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حسین ذبیحی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تأثیر چارچوب مفهومی عدالت فضایی بر دسترسی شهروندان شهر ساری بود. روش تحقیق با توجه به ماهیت پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و با توجه به اینکه تمامی شاخص‌ها از نوع کمی و کیفی (آمیخته) است، از پارادایم تفسیرگرایی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی شامل ۳۰ تن از افرادی که در شهر ساری دارای مدرک تحصیلی دکتری شهرسازی هستند و در بخش کمی شامل ساکنان شهر ساری می‌باشد. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با توجه به فرمول کوکران محاسبه گردید. لذا تعداد ساکنان مناطق یک تا چهار شهر ساری با جامعه آماری با استفاده از فرمول فوق، به تعداد ۴۰۰ به شرح هر منطقه ۱۰۰ نمونه می‌باشد. در مورد جمع‌آوری اطلاعات از داده‌های GIS شهر ساری، مصاحبه با خبرگان و دو پرسشنامه استفاده گردید. رویی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها با استفاده از نظرات اصلاحی اساتید تعیین شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش تحلیل محتوا استفاده شد. نتایج نشان داد در حوزه عدالت فضایی مؤلفه‌های: فیزیکی، اجتماعی، بصری، نمادین و اقتصادی وجود دارد که هر کدام تأثیرگذار بر دسترسی شهروندان در شهر ساری به امکانات در نقاط مختلف سطح شهر می‌باشد. بنابراین در مناطق چهارگانه شهر ساری مدیران شهری می‌بایست با در نظر گرفتن ابعاد مورد شناسایی زمینه دسترسی هر چه بهتر شهروندان به امکانات شهری را با توجه به شاخص‌های پیشنهادی فراهم آورند.

کلیدواژه‌گان: عدالت فضایی، دسترسی، شهروندان.

مقدمه

در دنیای کنونی از جمله مهم‌ترین مشکلاتی که شهرها با آن روبرو می‌باشند مسئله برنامه ریزی و در نظر نگرفتن نیازهای ساکنان و شهروندان است که این موضوع در اکثر نقاط جهان ابعاد گسترده‌ای یافته و موجب شده ایده آرمان‌شهری که به دنبال رسیدن انسان به شهر تعالی بود با مشکلاتی همراه گردد (افروز و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲). روند رو به رشد جمعیت شهرنشینی و بروز مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی از یک سو و ناکارآمد بودن روش‌های مدیریت و کنترل توسعه شهری از سوی دیگر، شهرهای نابسامان و ناپایداری را خلق نموده که از اصلی‌ترین علت ایجاد چنین وضعی چالش‌های مدیریتی بوده که در ابعاد گوناگون ایجاد شده است (جهانبانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۹۷). در واقع می‌توان گفت عدم برنامه ریزی موجب می‌شود که در ارتباط با تئوری سیستم‌ها هر یک از اجزا نتواند به درستی کار خود را انجام داده و نهایتاً هدف سیستم میسر نمی‌گردد و این موضوع در ارتباط با شهر نیز مصداق دارد. رشد سریع جمعیت این پدیده را به صورت چندین و چند برابری به منصفه ظهور می‌رساند (مستوفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶). بر همین اساس در طی سالیان اخیر با توجه به رشد سریع جمعیت و عدم برنامه ریزی شایسته و متناسب با نیازهای شهری و شهروندان، نظام توسعه‌ای مراکز خدماتی شهری مختل شده و این موضوع باعث شده تا دسترسی شهروندان و مفهوم عدالت فضایی با مشکل روبرو گردد. همین امر زمینه ساز نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات می‌باشد (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۳). طبق گفته پریزادی و همکاران (۱۳۹۵) از آنجا که خدمات عمومی شهری ساختار دهنده شکل و ماهیت کالبدی، اجتماعی و فضایی شهر می‌باشد، بی‌عدالتی در نحوه توزیع آن، تأثیر جبران ناپذیری بر ساختار، ماهیت شهر و جدایی‌گزینی طبقاتی محلات شهر گذاشته و مدیریت شهری را با چالش‌های جدی روبرو کرده است. از جمله علت‌های این اتفاق می‌توان اشاره کرد که شاید مراکز خدماتی متناسب با نیاز جمعیتی به طور کلی وجود ندارد و در واقع نظام توزیعی مشکلی نداشته و صرفاً فقدان فضاهای خدماتی نابرابری را سبب شده است. در واقع در این رابطه فقدان کاربری‌ها موجب بروز مشکل شده و عدالت فضایی به واسطه فقدان کاربری‌ها مختل گردیده است. در این زمینه بهره‌گیری از سرانه‌ها می‌تواند معیاری باشد که مشخص کند تا چه حد فضاهای موجود می‌تواند نیازهای شهروندان را پاسخ دهد (نوری و ندایی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). سیدالماسی و همکاران (۱۴۰۱) اذعان داشتند که شناخت فضا و نیز آگاهی به عناصر محیطی این مکان، باعث درک هر چه بهتر آن محیط شده و فرد تسلط و شناخت بهتری نیز پیدا می‌کند. از سویی دیگر موضوع توزیع خدمات مد نظر قرار می‌گیرد؛ بدین شرح که خدمات مورد نیاز کفایت شهروندان را می‌نماید؛ این در حالیست که نظام توزیعی منجر به تمرکز خدمات و کاربری‌های شهری در مکانی خاص از شهر شده و این موضوع پوشش کامل سطح شهر را توسط خدمات شهری مختل نموده است. این تمرکز موجب هجوم جمعیت مصرف‌کننده به این مناطق شده و مشکلاتی از قبیل ترافیک، مشکلات اجتماعی و فرهنگی، آلودگی‌های محیط زیستی و غیره را سبب می‌شود. در پی این موضوع شهر از حالت یکپارچه خارج شده و به نظام دو قطبی تبدیل می‌گردند که این امر موجب می‌گردد عدالت فضایی از بین رفته و شهروندان دسترسی برابر و عادلانه به خدمات شهری نداشته باشند (لینچ، ۱۳۹۵: ۸۴). فاینشتاین^۱ (۲۰۱۴) استدلال می‌کند که سه معیار

دموکراسی، تنوع و عدالت نیز برای عدالت فضایی در شهرها وجود دارد. او ضمن تأکید بر فرایندهای تصمیم‌گیری دموکراتیک که معتقد است به منظور اصلاح عدالت فضایی امکان‌پذیر می‌باشد، با در نظر گرفتن سه اصل دموکراسی، تنوع و برابری فاین اشتاین به عنوان معیارهایی در فرایندهای تصمیم‌گیری فضایی برای ارتقاء مشارکت سهامداران و مشورت به دنبال بهبود سیاست‌های عدالت فضایی است (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۱). در این رابطه توزیع خدمات شهری باید بررسی شود که متناسب با چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی است و کدام یک از آنها مبتنی بر دسترسی شهروندان می‌باشد تا در نهایت بتوان الگویی را تبیین نمود که تمامی شهروندان بتوانند به کاربری‌های مد نظر دسترسی داشته و در واقع از این طریق نظام توزیع خدمات را برنامه‌ریزی نموده تا عدالت فضایی تحقق یابد (مارکوس، ۲۰۰۹: ۱۴۲).

مبانی نظری

فضا در حوزه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای عبارت است از تولیدی اجتماعی که از کنش بازیگران اجتماعی در مکان‌های مختلف جغرافیایی و در قلمرو حیات جمعی شکل می‌گیرد و از این منظر در برگیرنده تمام عرصه‌های حیات انسانی اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، هویت و غیره می‌باشد. به همین دلیل است که ساماندهی فضا یکی از ابعاد تعیین‌کننده جوامع انسانی بوده و از این رو تحلیل و بررسی رابطه میان فضا و جامعه و تنظیم سیاست‌های برنامه‌ریزی به منظور کاهش یا حل بی‌عدالتی‌های موجود در فضا، از وظایف اصلی برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای به حساب می‌آید (دوفاکس^۱، ۲۰۰۸). عدالت فضایی از دید نظریه پردازانی چون رالز^۲ و یانگ^۳ ارتباط دهنده عدالت اجتماعی و فضا است. لیاو^۴ عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات براساس نیازها، سلاقی، اولویت‌های ساکنین و استانداردهای خدمات رسانی تعریف کرده‌اند (لیاو، ۲۰۰۹: ۷۶). از طرفی دیگر قابلیت دسترسی، یک مفهوم رایج است اما در مورد تعریف آن اجماع نظری وجود ندارد. طرح‌های دسترسی و توسعه شهری مهم‌ترین ابزار ساماندهی کالبدی شهرها به شمار می‌روند. به‌رغم همه تمهیداتی که در تهیه طرح‌ها و تنظیم محتویات آن‌ها صورت گرفته است، بسیاری از این طرح‌ها در دست‌یابی به اهداف خود ناموفق بوده‌اند (آور و همکاران، ۱۰۱: ۴۴۸). قابلیت دسترسی به دستیابی آسان به ساختمان‌ها یا امکانات یا کالا و خدمات توسط مردم بر می‌گردد؛ بنابراین می‌تواند به عنوان اندازه‌گیری فرصت نسبی برای تعامل یا برقراری ارتباط با یک پدیده مثلاً پارک بیان شود. قابلیت دسترسی معمولاً به عنوان سهولتی که به وسیله آن می‌توان به فعالیت‌ها از نقطه معینی و به وسیله سیستم حمل و نقل معینی دست یافت، تعریف می‌گردد. مفهوم قابلیت دسترسی جوانب گوناگونی مانند جنبه‌های فیزیکی، ذهنی، اقتصادی و مالی وابسته به طبیعت کاربری زمین و حمل و نقل مورد نظر را در بر می‌گیرد. همچنین قابلیت دسترسی در میان افراد گوناگون در زمان‌های مختلف متفاوت است (صادقی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۹۲). آقیمان^۵ (۲۰۱۱) دسترسی را به مجموعه‌ای از ابعاد قابل دستیابی بودن، در دسترس بودن، مکان، قابل استطاعت بودن و قابل پذیرش بودن تقسیم می‌نماید. مارکوس (۲۰۰۹) نیز تعاریف گسترده‌تری از دسترسی را در نظر می‌گیرند که فراتر از دسترسی فضایی یا

2. Duriaux

3 Rawls

4 Young

5 Liao

1. Agyeman

جغرافیایی است. آی و سزار^۱ (۲۰۲۰) عدالت را به عنوان "گنجاندن عادلانه و منصفانه در یک جامعه" تعریف می‌کند و راهنمای سیاست آن "اقدامات سیاست توصیه شده" برای جعبه ابزار برنامه‌ریزان "جهت اجرای سیاست‌هایی که منجر به ایجاد جوامع عادلانه و منصفانه" می‌شود و از مهم‌ترین راه‌کارهای آن تاکید بر توزیع خدمات در سطح شهرها می‌باشد. ویلدشات^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی دریافت که گنجاندن شبکه‌های حمل و نقل و دسترسی شهرها و حمل و نقل در دیدگاه‌های فضایی منطقه‌ای برای بهبود عدالت فضایی مهم تلقی می‌شود. همچنین نتایج پژوهش تان و سامسودین^۳ (۲۰۱۷) حاکی از این است که توزیع نابرابر فضاها، سبز و پارک‌ها بر اساس ثروت و درآمد ایجاد شده است و مقیاس برنامه‌ریزی برای پارک‌ها و فضاها، سبز در میزان ایجاد عدالت فضایی تاثیر گذار است. عبدی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که خدمات و امکانات مورد بررسی در سطح شهرستان قرچک به صورت عادلانه توزیع نشده‌اند و از طرفی نیز نتیجه آزمون سطح رضایت مندی شهروندان از وضعیت خدمات شهری مورد بررسی نیز حاکی از نامناسب بودن وضعیت این خدمات در سطح شهرستان قرچک بوده است. قادری و حافظ‌نیا (۱۳۹۷) بیان کردند که مهمترین بنیان‌های بی‌عدالتی فضایی در ایران متأثر از عملکرد عوامل پیش گفته به ترتیب اهمیت عبارتند از: نابرابری در توزیع منابع، قدرت، ثروت و فرصت، ضعف نظام بودجه‌ریزی، ضعف مدیریت نظام منطقه‌ای و محلی، تبدیل نشدن عدالت فضایی به یک مطالبه عمومی و تمرکزگرایی نهادمند به عنوان با اهمیت‌ترین مولفه‌ها با تأثیرگذاری خیلی زیاد و بنیادهای طبیعی نامتوازن، ضعف ادبیات در حوزه مطالعاتی عدالت فضایی و ضعف نظام اطلاعات و حسابداری منطقه‌ای و ملی به عنوان مولفه‌های با اهمیت پایین تر نسبت به سایر عوامل تشخیص داده شد.

علیرغم اهمیت موضوع عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری، قطبی نبودن فضای توسعه شهر و عدالت فضایی به لحاظ ارائه خدمات و نیازهای شهروندان، مطالعات معدودی در این زمینه در کشور صورت گرفته و اغلب مطالعات انجام شده، بیشتر جنبه اقتصادی داشته‌اند. این در حالی است که بی‌عدالتی را نمی‌توان فقط محدود به سنجش نابرابری‌های اقتصادی دانست چرا که فضا یک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و عدالت اجتماعی در فضا جاری شده و هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضای جاری نمایان می‌گردد (دانش‌پور و الوندی‌پور، ۱۳۹۵، ۶۸). بین نابرابری‌های فضایی و توزیع ناعادلانه خدمات شهری و مشکلات کالبدی و محیطی، همواره رابطه تنگاتنگی وجود دارد و در ادامه با رشد جمعیت و گسترش افقی و عمودی، شهر را به محیطی غیرقابل سکونت تبدیل می‌کند به طوری که بسیاری از مشکلات شهرهای امروز را می‌توان در توزیع ناعادلانه خدمات شهری در زمان دیروز آن‌ها ریشه‌یابی کرد. لذا آسیب شناسی شهرهای امروزی و تدوین چارچوب مفهومی مبتنی بر دسترسی پذیری شهروندان که از مسائل حاد شهرهای امروزی است، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در نهایت با توجه به مباحث مطرح شده و عدم ویژگی‌های قطعیت در بین نتایج پژوهش‌های مختلف، محقق در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق آمیخته به دنبال تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی مبتنی بر دسترسی شهروندان در شهر ساری به منظور دست‌یابی به اهداف مورد نظر می‌باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند در اختیار مدیران و مسئولان اجرایی شهری قرار گرفته و با به‌کارگیری راه‌کارهای مطرح شده بتواند گامی مؤثر برای بهبود وضعیت شهرها بردارد.

2. Ay & Sezer

3. Wildschut

4. Tan & Samsudin

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر ساری مرکز استان مازندران و شهرستان ساری است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی این شهر در طول شرقی 53 درجه و 3 دقیقه و عرض شمالی 36 درجه و 34 دقیقه واقع شده و ارتفاع متوسط آن از سطح دریای آزاد حدود 40 متر می باشد. از لحاظ موقعیت طبیعی، این شهر در جنوب دریای مازندران و در منطقه جلگه‌ای و نسبتاً مسطح شهرستان ساری قرار گرفته و تنها قسمت‌های جنوبی و جنوب غربی آن به کوه‌ها و تپه ماهورهای کم ارتفاع منتهی می‌گردد. بر حسب سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر ساری دارای تعداد ۲۶۱۲۹۳ جمعیت می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به اینکه تمامی شاخص‌ها از نوع کمی و کیفی (آمیخته) است، از پارادایم تفسیرگرایی استفاده شد. از آنجا که محقق به دنبال سنجش و آگاهی از وضعیت متغیرها در بستر پژوهشی شهر ساری بود از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شد تا به طور کلی مشخص شود وضعیت هر شاخص در شهر ساری به چه صورت ارزشیابی می‌شود.

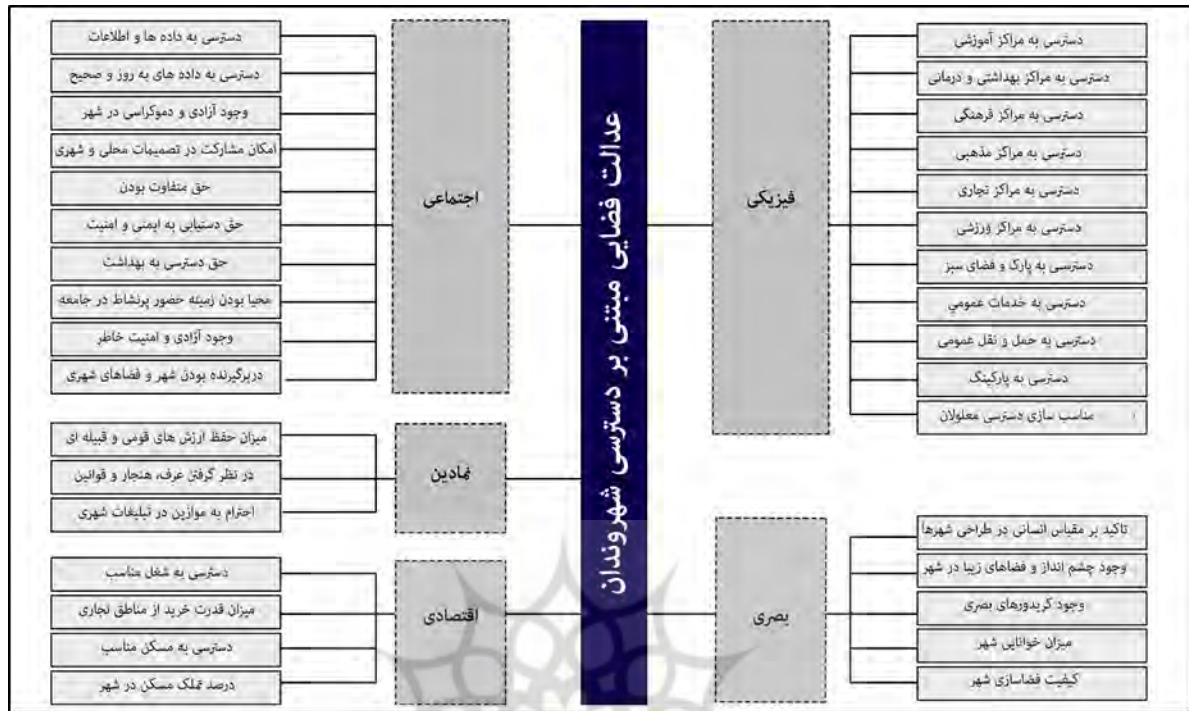
جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی شامل ۳۰ تن از افرادی که در شهر ساری دارای مدرک تحصیلی دکترای شهرسازی هستند و در بخش کمی شامل ساکنان شهر ساری می‌باشد. روش نمونه‌گیری از آنجا که مورد پژوهی چهار منطقه از شهر ساری است به صورت تصادفی طبقه‌ای متناسب با تعداد ساکنان هر یک از این مناطق تعداد پرسشنامه با توجه به فرمول کوکران محاسبه گردید. لذا تعداد ساکنان مناطق یک تا چهار شهر ساری با جامعه‌ی آماری با استفاده از فرمول فوق، به تعداد ۶۰۰ به شرح هر منطقه ۱۰۰ نمونه می‌باشد.

در مورد جمع‌آوری داده‌های کمی، استفاده از پرسشنامه و داده‌های آماری سازمان‌های مرتبط علی‌الخصوص داده‌های GIS شهر ساری استفاده شد. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، شامل ۲ پرسشنامه شامل پرسشنامه مربوط به متخصصین و خبرگان و پرسشنامه ساکنان است. بر اساس پرسشنامه خبرگان مشخص می‌شود چه شاخص‌هایی در ارتباط با مفهوم عدالت فضایی در مبانی نظری مغفول واقع شده‌اند. سپس از خبرگان خواسته شده است تا مشخص کنند کدام یک از شاخص‌ها مبتنی بر دسترسی شهروندان می‌باشد. در واقع با استفاده از این پرسشنامه علاوه بر شناسایی و تایید شاخص‌ها می‌توان روابط و شاخص‌های مغفول را نیز به شناسایی نمود.

در ارتباط با پرسشنامه ساکنان نیز مشخص می‌شود که وضعیت هر یک از شاخص‌ها در بستر پژوهشی شهر ساری به تفکیک مناطق به چه صورت است. در واقع شناسایی شاخص از طریق پرسشنامه خبرگان صورت می‌گیرد اما ارزیابی وضعیت شاخص‌ها در بستر پژوهشی شهر ساری از طریق پرسشنامه ساکنان صورت می‌پذیرد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها با استفاده از نظرات اصلاحی اساتید تعیین شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش تحلیل محتوا استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده از شکل ۱، در حوزه عدالت فضایی مؤلفه‌های: فیزیکی (کالبدی)، اجتماعی، بصری، نمادین و اقتصادی مورد شناسایی قرار گرفت که هر کدام تأثیرگذار بر دسترسی شهروندان در شهر ساری به امکانات در نقطه مختلف سطح شهر می‌باشد.



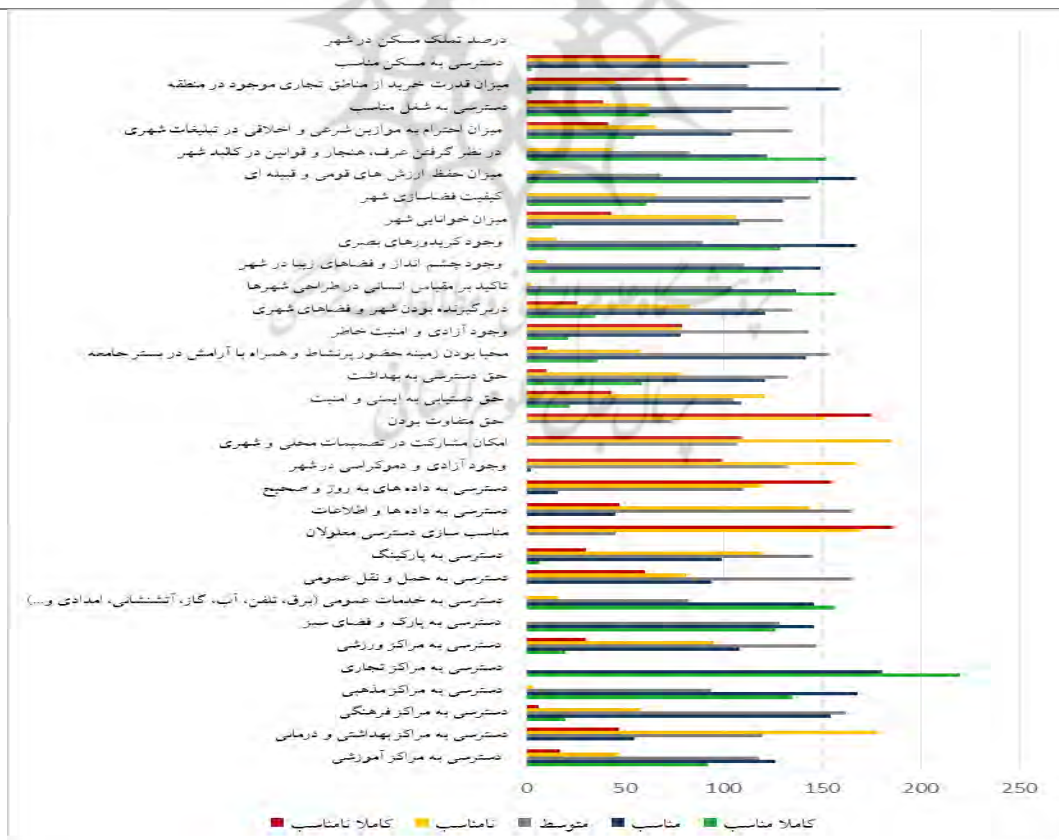
شکل ۱. چارچوب مفهومی تدقیق شده عدالت فضایی مبتنی بر دسترسی شهروندان

بر اساس نتایج جدول ۱ و شکل ۲، چارچوب مفهومی مورد بررسی در شهر ساری ارزشیابی می‌گردد تا متناسب با وضعیت بررسی شده بتوان از طریق روش مک گراناها، وزن شاخص‌ها را محاسبه نمود. بر این اساس شاخص‌هایی چون مناسب‌سازی برای معلولان، حق متفاوت بودن، و دسترسی به داده‌های صحیح و به‌روز در شهر ساری در وضعیت کاملاً نامناسب و از سوی دیگر دسترسی به مراکز تجاری، تأکید بر مقیاس انسانی در طراحی شهرها، در نظر گرفتن عرف، هنجار و قوانین در کالبد شهر و همچنین دسترسی به خدمات عمومی چون برق، آب، گاز در وضعیت کاملاً مناسب هستند.

جدول ۱. بررسی وضعیت شاخص‌ها در شهر ساری

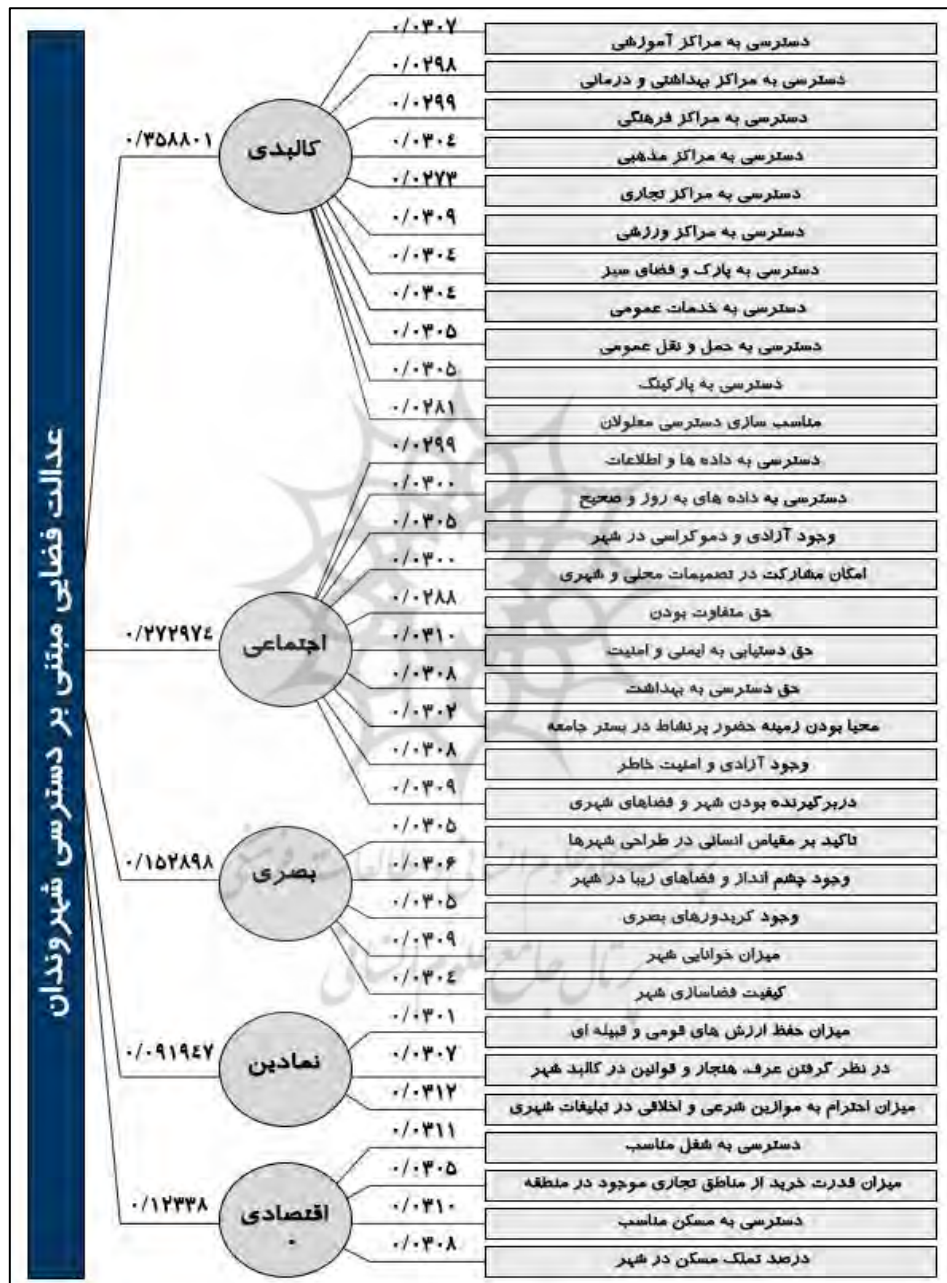
شاخص‌ها	کاملاً مناسب	مناسب	متوسط	نامناسب	کاملاً نامناسب
۱ دسترسی به مراکز آموزشی	92	126	118	47	17
۲ دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی	0	55	120	178	47
۳ دسترسی به مراکز فرهنگی	20	154	162	58	6
۴ دسترسی به مراکز مذهبی	135	168	94	3	0
۵ دسترسی به مراکز تجاری	220	180	0	0	0
۶ دسترسی به مراکز ورزشی	20	108	147	95	30
۷ دسترسی به پارک و فضای سبز	126	146	128	0	0
۸ دسترسی به خدمات عمومی	156	146	82	16	0
۹ دسترسی به حمل و نقل عمومی	0	94	165	81	60
۱۰ دسترسی به پارکینگ	7	99	145	119	30

186	169	45	0	0	۱۱ مناسب سازی دسترسی معلولان
47	143	165	45	0	۱۲ دسترسی به داده ها و اطلاعات
155	119	110	16	0	۱۳ دسترسی به داده های به روز و صحیح
99	167	132	2	0	۱۴ وجود آزادی و دموکراسی در شهر
۱۰۸	185	107	0	0	۱۵ امکان مشارکت در تصمیمات محلی و شهری
175	151	74	0	0	۱۶ حق متفاوت بودن
43	121	105	109	22	۱۷ حق دستیابی به ایمنی و امنیت
10	78	132	121	59	۱۸ حق دسترسی به بهداشت
11	58	153	142	36	۱۹ محیا بودن زمینه حضور پر نشاط در بستر جامعه
79	79	143	78	21	۲۰ وجود آزادی و امنیت خاطر
26	83	135	121	35	۲۱ دربرگیرنده بودن شهر و فضاهای شهری
0	2	104	137	157	۲۲ تاکید بر مقیاس انسانی در طراحی شهرها
0	10	111	149	130	۲۳ وجود چشم انداز و فضاهای زیبا در شهر
0	15	89	167	129	۲۴ وجود کریدورهای بصری
43	106	130	108	13	۲۵ میزان خوانایی شهر
0	65	144	130	۶۱	۲۶ کیفیت فضاسازی شهر
0	17	68	167	148	۲۷ میزان حفظ ارزش های قومی و قبیله ای
0	43	83	122	152	۲۸ در نظر گرفتن عرف، هنجار و قوانین در کالبد شهر
41	65	135	104	55	۲۹ میزان احترام به موازین شرعی و اخلاقی در تبلیغات شهری
39	63	132	104	62	۳۰ دسترسی به شغل مناسب
82	45	112	159	2	۳۱ میزان قدرت خرید از مناطق تجاری موجود در منطقه
67	86	132	113	2	۳۲ دسترسی به مسکن مناسب
					۳۳ درصد تملک مسکن در شهر



شکل ۲. وضعیت دسترسی به شاخص های مختلف در شهر ساری

با توجه به نتایج شکل ۳، وزن و ضریب اهمیت مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت فضایی مبتنی بر دسترسی شهروندان بدین شرح می‌باشد. بدین منظور در ارتباط با ارزیابی وضعیت شاخص‌های عدالت فضایی مبتنی بر دسترسی شهروندان در شهر ساری از تعیین وزن به روش مک گراناها استفاده شد. در گام اول ماتریس همبستگی محاسبه گردید. سپس در گام بعد، میانگین قدر مطلق ضریب همبستگی برای هر شاخص به صورت سطری محاسبه می‌شود تا بدین صورت برای هر شاخص میانگین وزنی محاسبه شده و نهایتاً با تقسیم وزن هر شاخص بر مجموع وزن شاخص‌ها، وزن شاخص مذکور نرمال شده و وزن نهایی (نرمال شده) هر شاخص محاسبه می‌گردد.



شکل ۳. وزن و ضریب اهمیت مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت فضایی مبتنی بر دسترسی شهروندان

در ارتباط با مناطق شهر ساری، پس از تعیین وضعیت شاخص‌های عدالت فضایی مبتنی بر دسترسی شهروندان در مناطق شماره ۴ ایجاد شد. در ارتباط با این نقشه حاصل شده در ابتدا تمامی کاربری‌هایی که در چارچوب

مفهومی مورد تأیید بود روی نقشه مکان‌یابی شد تا مبتنی بر توزیع فضایی کاربری‌های اصلی وضعیت مناطق مشخص شود و سپس هر کدام از این کاربری‌ها به عنوان یک نشانه در نظر گرفته شده تا تمرکز و تراکم آنها بررسی گردد. لذا با توجه به شکل ۴، در منطقه ۲ تمرکز کاربری‌ها بیشتر است و طبق پرسشنامه‌ها و مشاهدات انجام گرفته و وضعیت شاخص‌های وزندار در این مناطق بهتر می‌توان نتایج حاصل از ویکو را به صورت فضایی مشاهده و نتایج آن را تأیید کرد بر همین اساس مناطق ۴ و ۲ شهر ساری به عنوان گزینه‌های برتر انتخاب شدند.



شکل ۴. وضعیت عدالت فضایی مبتنی بر دسترسی شهروندان در مناطق شهر ساری

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش در شهر ساری نشان داد که مؤلفه‌های عدالت فضایی تأثیرگذار بر دسترسی شهروندان عبارتند از: مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی، بصری، نمادین و اقتصادی که در هریک از آنها با توجه به شاخص‌هایی که برای آنها مطرح شد می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند. در این راستا رویارویی شهر با مفهوم مسئله برانگیز و آرمانی عدالت اجتماعی برگرفته از حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم سیاسی مفهومی چند بعدی تحت عنوان عدالت فضایی را شکل داده است. توجه به مقوله عدالت فضایی در کنار اهمیت ذاتی آن، به دلیل تأثیرگذاری بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهر نیز اهمیتی دو چندان می‌یابد. چنین مفهومی در برنامه ریزی کالبدی شهر به وضوح با برابری و تعادل در سهولت بهره‌مندی از امکانات مورد نیاز شهروندان در ارتباط است. همچون بسیاری پدیده‌های دیگر در برنامه ریزی شهری، مقابله با روند نامناسب جاری و تلاش در راستای برنامه‌ریزی عدالت محور، در وهله اول مستلزم ارزیابی وضعیت کنونی و درک کاستی‌های آن است. علاوه بر این بسیاری از خبرگان اشاره کردند که در ارتباط با عدالت فضایی و دسترسی باید مراکز تجاری به گونه‌ای انتخاب شود که خرید از آنها برای شهروندان میسر و درخور استطاعت آنها باشد. بدین معنا که متوسط ساکنان در مناطق بتواند از مراکز تجاری آن منطقه خرید کنند. در واقع میزان حمایت ساکنان مناطق از مراکز تجاری از مهمترین جنبه‌هایی است که مشخص می‌کند آیا دسترسی به کاربری تجاری صرفاً در حد محاسباتی است که روی نقشه‌ها انجام می‌گیرد و یا به صورت واقعی این دسترسی میسر است. همچنین بر اساس و بر مبنای شاخص‌های اولویت بندی شده، راهبردهایی به شرح زیر تبیین شده اند: توجه به رعایت موازین شرعی و اخلاقی در تبلیغات شهری، ایجاد شغل در مناطق شهر ساری متناسب با تخصص و حرفه افراد، ایجاد ایمنی و امنیت از طریق نورپردازی و کف سازی مناسب و همچنین ایمن-سازی معابر، امکان تهیه مسکن مناسب برای ساکنان از طریق ساخت مسکن حمایتی یا دولتی، تعبیه مراکز ورزشی در مناطق ۳ و ۴، تلاش برای دربرگیرنده بودن شهر و فضاهای شهری از طریق متناسب سازی فضاها، افزایش میزان خوانایی شهر از طریق تعبیه عناصر، نمادها و نشانه‌های شاخص شهری، تلاش برای دستیابی ساکنان به بهداشت از طریق رفع معضل آلودگی محیطی، جلوگیری از ساخت مراکز خدماتی به صورت متمرکز و تلاش در راستای تمرکز زدایی از آنها، در نظر گرفتن عرف، هنجار و قوانین در کالبد شهر، فضا سازی مناسب نقاطی که پتانسیل ایجاد یک چشم انداز مطلوب شهری را دارند، تاکید بر پوشش سطح شهر توسط حمل و نقل عمومی، ایجاد پارکینگ در سطح مناطق جهت دسترسی مناسب به پارکینگ، طراحی جداره خیابان‌ها و در نظر گرفتن تراکم ساختمانی مناسب جهت تاکید بر مقیاس انسانی در مناطق، بالا بردن میزان قدرت خرید از مناطق تجاری موجود در منطقه از طریق تعبیه مناطق تجاری قابل استطاعت در مناطق شهری، تغییر در ساز و کار مکان‌گزینی امکانات و خدمات آموزشی و درمانی و عدم پیروی از دیدگاه‌های صرفاً اقتصادی، تاکید بر اسناد فرادست در زمینه نقش شهر، عملی نمودن راهبردهای توسعه و عدالت فضایی در مناطق شهری، تلاش برای ایجاد تعادل در ارایه خدمات و تأسیسات شهر در مناطق جدید مانند منطقه سه، دگرگونی ساز و کارهای نظام اقتصاد سرمایه‌دار در راستای از بین بردن شکاف طبقاتی، ایجاد شیوه‌های عادلانه توزیع منابع و کالاها میان اقشار مختلف، توزیع عادلانه خدمات میان محلات شهر بر اساس نیاز، استحقاق و سایر معیارهای تبیین شده در چارچوب مفهومی، ساخت واحدهای مسکونی دولتی با رعایت

استانداردهای لازم، توانمندسازی اقشار کم درآمد و فقیر جامعه در راستای بهره‌مندی از شرایط و امکانات، اصلاح نظام مالیاتی و اخذ مالیات تصاعدی از ثروت‌های متکثر، تقویت نظام تعاونی در بخش‌های تولید و توزیع خدمات، تشویق مشارکت فراگیر شهروندان در مدیریت شهری، اصلاح و بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی در صدد تمرکز زدایی از خدمات و امکانات شهری، نظرسنجی مداوم و پیگیری نظرات مردم در مورد عملکرد نیروهای امنیتی، جلوگیری از ایجاد فضای بی‌دفاع و رها شده در شهر، تامین ایمنی و امنیت در شهر از طریق نورپردازی و کف سازی مناطق، استفاده از سرمایه اجتماعی ساکنان، استفاده از زمین‌های خالی موجود در مناطق برای ایجاد فضاهای رفاه عمومی و خدماتی، تغییر کاربری‌های مسکونی به خدماتی و رفاهی، ایجاد کاربری‌های رفاه عمومی با در نظر گرفتن ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ساکنان، افزایش دسترسی به کاربری‌ها از طریق توجه به دامنه هر کاربری، افزایش کمیت و کیفیت نهادهای سلامت، بهداشت، آموزش و غیره، افزایش ایستگاه‌های تاکسی و اتوبوس در منطقه، توجه به پوشش حمل و نقل همگانی در تمامی مناطق، تقویت مراکز عملکردی محلات، تقویت انتخاب گزینه‌های حمل و نقل عمومی، ایجاد فعالیت‌های ارزش آفرین در نواحی مسکونی، تجدید حیات نواحی دارای فرسودگی، اعمال سیاست‌های نظارتی برای جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت زمین، تشویق به ایجاد مسکن متناسب با توان مالی خانوارهای ساکن در مناطق، ایجاد زمینه و حمایت‌های لازم برای اجرای برنامه‌های تولید و تامین مسکن عمومی، پیش‌بینی مشوق‌های مالی با هدف تشویق ساکنان به زندگی در نزدیکی محل کار، تقویت کارگاه‌ها و مشاغل موجود با هدف کاهش بار تکفل، ایجاد روش‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای به منظور ظرفیت سازی و ایجاد اشتغال در مناطق، ایجاد کاربری‌های سازگار در شأن محیط، ایجاد فضاهای عمومی در امتداد نقاط کانونی گذرهای فرعی، تجهیز محورهای اصلی به خدمات مورد نیاز محله و ایجاد فضاهای خدماتی در نقاط کانونی مسیرها.

منابع

- آور، محمد. موغلی، مرضیه. عفیفی، محمدابراهیم. (۱۴۰۱). اولویت بندی موانع عدم تحقق طرح‌های توسعه شهری با استفاده از تکنیک AHP فازی (مطالعه موردی: شهر لمزان). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای). دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۴۷۱-۴۴۸.
- افروز، مریم. طیبیان، منوچهر. احمدی، بهمن. (۱۳۹۶). سنجش عدالت فضایی به منظور دسترسی برابر به فرصت‌های اجتماعی (نمونه مطالعه: بافت قدیم شهر قزوین). فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، شماره ۱۴، صص ۷۴-۵۳.
- پریزادی، طاهر. حسینی، سیده فرشته. بهبودی مقدم، حسین. (۱۳۹۵). تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی مطالعه موردی: شهر میوان. مجله آمایش جغرافیایی فضا. شماره ۲۶، صص ۹۱-۱۰۲.
- جهانبانی، محمدعلی. احمدی، ملیحه. مصطفی، بهزادفر. (۱۴۰۱). عوامل مؤثر بر جلب اعتماد شهروندان در راستای تقویت مشارکت جمعی در اجرای طرح‌های توسعه شهری از دیدگاه شهروندان و مدیران (مورد مطالعه: کلان شهر تهران). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای). دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۶۱۶-۵۹۶.

داداش‌پور، هاشم. رستمی، فرزاد. (۱۳۹۰). سنجش عدالت فضایی یکارچه خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی شهر یاسوج. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۰، صص ۲۲-۱

دانش‌پور، هاشم. الوندی‌پور، نینا. (۱۳۹۵). عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران؛ فرامطالعه چارچوب نظری مقاله‌های علمی موجود. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۲۱. شماره ۳. صص ۸۰-۶۷

سیدالماسی، هما. طلیسچی، غلامرضا. سروش، محمدمهدی. (۱۴۰۱). پدیدار شناسی حس آمیزی و ادراک تنانه در تجربه فضای معماری (مطالعه موردی: فرهنگ سرای نیاوران). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای). دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۱۱۴۸-۱۱۳۳.

صادقی فسایی، سهیلا. عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. فصلنامه‌ی راهبرد فرهنگ. شماره ۲۹، ص ۹۲.

عبدی، علی. رحمانی، بیژن. تاج، شهره. (۱۳۹۸). تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی. مطالعه موردی: شهرستان قرچک. فصلنامه فضای گردشگری، سال نهم، شماره ۳. صص ۸۸-۶۹

قادری حاجت، مصطفی. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۷). راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران. مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال سوم، شماره ۱، صص ۵۷-۲۵

لینچ، کوین. (۱۳۹۵). تئوری شکل خوب شهر. ترجمه: دکتر سید حسین بحرینی. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. چاپ هفتم.

مستوفی الممالکی، رضا. بسطامی‌نیا، امیر. تازش، یوسف. (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل توسعه تسهیلات شهری از دیدگاه عدالت فضایی (مطالعه موردی شهر یاسوج). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی. سال دوم شماره ۶، صص ۵۲-۴۱.

نوروزی، فریبا. صالحی، اسماعیل. خستو، مریم. (۱۳۹۸). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه عدالت فضایی. فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای. سال نهم، شماره ۳۳. صص ۱۰۴-۸۲

نوری، علیرضا. ندایی طوسی، سحر. (۱۳۹۶). ارزیابی یکپارچه عدالت بالفعل فضایی در دسترسی به تسهیلات پایه شهری به روش ارزیابی چندمعیاره فضایی؛ موردپژوهی: شهر اردبیل. فصلنامه صفا. دوره بیست و هفتم شماره ۳. صص ۱۳۶-۱۰۵.

Agyeman, J. (2011). Just Sustainabilities; Re-imagining (e) Quality, Living Within Limits/, Oral Presentation at Victoria University, an online copy is Available at: http://pics.uvic.ca/sites/default/files/uploads/agyeman_uvic.pdf

Ay, D. & Sezer, C. (2020). Spatial Justice in Urban Studies and Planning Education. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy. RWTH Aachen University.

Fainstein, S. (2014). The just city. International Journal of Urban Sciences, 18(1), pp:1-18

Liao, C.H., Chang, H. S. & Ko-Wan, T. (2009). Explore the spatial equity of urban public facility allocation based on sustainable development, Real Corp, (<http://www.corp.at/>).

Marcuse, P. (2009). Postscript: Beyond the Just City to the Right to the City. New York: Routledge

Tan, P. Y., & Samsudin, R. (2017). Effects of spatial scale on assessment of spatial equity of urban park provision. *Landscape and Urban Planning*, 158, 139-154.

Wildschut, F. (2017). Spatial justice in spatial planning: differences and similarities in theory vs spatial planners' thoughts. A dissertation submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Master thesis. Radboud University Nijmegen.

Dufaux, Frederic (2008) . Birth announcement , justice spatial/spatial justice , www.jssj.org

